

## بررسی حیات علمی کراجکی با تأکید بر نقد دیدگاه‌های موجود درباره شاگردی وی نزد زعمای مکتب بغداد

محمد محدثی<sup>۱</sup>

لیلا نجفیان رضوی<sup>۲</sup>

مریم عزیزیان<sup>۳</sup>

**چکیده:** آگاهی از شبکه ارتباطی عالمان امامی و نحوه ارتباطات آنها با مرکز پررونق هر دوره که در گسترش و ثبیت تشیع امامی در اقصی نقاط جهان اسلام مؤثر بوده‌اند، امری تأثیرگذار در شناخت ما از اندیشمندان کمتر شناخته شده مناطق مختلف است. امری که توجه به آن از جنبه‌های مختلفی چون روابط استاد-شاگردی (عالی‌پروری)، اثربخشی تفکرات و نیز نوع و محتوای آثار تولید شده حائز اهمیت است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با تمرکز بر ابوالفتح محمدبن علی بن عثمان کراجکی (متوفی ۴۴۹ق) به عنوان یکی از علمای شام، رابطه استاد-شاگردی او با زعمای مکتب بغداد مورد توجه قرار گرفته و تأثیر این امر بر عملکرد علمی کراجکی در شام بررسی شده است. نتیجه این پژوهش توصیفی-تحلیلی حاکی از آن است که محمدبن حسن طوسی استاد کراجکی نبوده، همان‌طور که میان کراجکی و سید مرتضی با وجود قرابت فکری، رابطه استاد-شاگردی وجود نداشته است. بدین ترتیب، از میان زعمای مکتب بغداد، شیخ مفید تنها استاد کراجکی بوده است. ارتباطی که بر آراء فقهی، کلامی و اندیشه سیاسی او تأثیر گذاشته است. همچنین انتخاب موضوعات آثار تألیفی او را تحت الشاعع قرار داده، در گزینش و نحوه نقل روایات تاریخی در آثار این اندیشمند مؤثر بوده و در گسترش مکتب متکلمان در شام نقش بسزایی داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** کراجکی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، شام، مکتب متکلمان، مکتب طوسی.

۱ کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه فردوسی مشهد

۲ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳ استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۳۰ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۴/۰۲

# A Study of Karajaki's scholastic Life with an Emphasis on the Critique of Views on his Discipleship for Baghdad School Leaders

Mohammad Mohadesi<sup>1</sup>

Leila Najafian Razavi<sup>2</sup>

Maryam Azizian<sup>3</sup>

**Abstract:** Being aware of the communication network of Imami scholars and the way they communicate with the thriving center of each period is influential in recognizing lesser-known scholars in different regions who have been effective in expanding and consolidating Imami Shiism in all parts of the Islamic world. It is important to pay attention to it in various aspects such as teacher-student relations, the effectiveness of thoughts, as well as the type and content of the produced works. Therefore, in the present study, focusing on Karajaki (d. 449 AH) as one of the Levant scholars, his master-student relationship with heads of the Baghdad school has been considered and then the impact of this issue on Karajaki's scholastic activities in Levant has been studied. The result of this descriptive-analytical study indicates that Tusi was not a master of Karajaki, just as there was no master-student relationship between Karajaki and Seyyed Morteza, despite their intellectual affinity. Thus, among the leaders of the Baghdad school, Sheikh Mufid was the only master of Karajaki, a connection that has influenced his jurisprudential, theological and political views. The choice of subjects overshadowed his writings, influenced the selection and narration of historical narratives in the works of this thinker, and played a significant role in the development of the school of theologians in the Levant.

**Keywords:** Karajaki, Sheikh Mufid, Seyyed Morteza, Tusi, Levant.

---

1 Master of Shi'ite History, Ferdowsi University of Mashhad. mohadesi.m1363@gmail.com

2 Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad  
(Corresponding Author), najafian@um.ac.ir

3 Assistant Professor, Department of History, Ferdowsi University of Mashhad.  
maryamazizian@um.ac.ir

## مقدمه

مکتب بغداد با آغاز زمامت شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ق) به تدریج شاكله اصلی خود را به دست آورد. این امر در کنار ظهور حکومت‌های شیعی، سیطره امرای بويه‌ای بر عراق و افزایش فعالیت‌ها و امکانات شیعیان در بغداد، سفر و تحصیل بسیاری از مشتاقان و عالمان امامی به این شهر را تسهیل کرد. علمایی که هر یک پس از تحصیل، با ماندن در این دیار یا بازگشت به سرزمین و زادگاه خود، منشأ خدماتی ارزشمند در میان شیعیان شدند. تمرکز پژوهش‌ها بر این مکتب و زعمای آن، به خصوص در قرن پنجم قمری، نحوه ارتباط آنها با علمای دیگر مناطق، خاصه شام را که منظور نظر پژوهش حاضر است، در حاشیه قرار داده است. امری که توجه به آن از جنبه‌های مختلفی چون روابط استاد-شاگردی (عالی‌پروری)، اثربخشی تفکرات و نیز نوع و محتوای آثار تولید شده حائز اهمیت است. از این رو، در پژوهش حاضر با تمرکز بر کراجکی به عنوان یکی از علمای تأثیرگذار بر برخی از مناطق شام در این دوره، رابطه استاد-شاگردی او با زعمای مکتب بغداد مورد توجه قرار گرفته و سپس تأثیر این امر بر حیات علمی کراجکی در شام بررسی شده است؛ مسئله‌ای که درباره بخش ابتدایی آن اختلاف نظرهای فراوانی در پژوهش‌های اندک حاضر وجود دارد و با اشراف بر آن می‌توان بخش دوم این پژوهش، یعنی تأثیر این ارتباط بر عملکرد و حیات علمی کراجکی را که از دید پژوهشگران به دور مانده است، بهتر درک کرد. ضمن آنکه لازمه فهم این امر، رفع اختلاف نظرهای موجود درباره دیگر موضوعات مرتبط با حیات کراجکی همچون زادگاه اوست؛ که در مجموع شناخت ما نسبت به عالی تأثیرگذار و کمتر شناخته شده از علمای امامیه در قرن پنجم قمری را وسعت می‌بخشد. محققی که با سفرهای متعدد و نگارش آثار قهی، کلامی، تاریخی و دیگر آثار متنوع و متناسب با نیاز روز، توانست در تثیت و گسترش باورهای تشیع امامی در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر تسنن و تشیع اسماعیلی بود، مؤثر باشد. کراجکی محل رجوع افراد و گروههای مختلف در برخی از سرزمین‌های ساحلی شام شده بود و با تولید آثار علمی متنوع و بدیع، حتی سبک‌هایی نو در نگارش متون علمی برای ترغیب مخاطبان به مطالعه، از خود بر جای گذارد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> برای نمونه ن.ک. به: کراجکی، [ابی تا، الف]: ۸۷/۱، ۱۲۸، ۳۲۷، ۳۲۰.

آثاری که به طور مستقیم به ابعاد مختلف زندگی کراجکی پرداخته‌اند، بسیار محدود است و از حد بررسی آراء کلامی (زارعپور، ۱۳۹۲) و یا معرفی او<sup>۱</sup> (مهاجر، [بی‌تا]؛ طباطبائی، ۱۴۰۳) فراتر نمی‌رود. پژوهش‌ها در حوزه تأثیرگذاری عالمان امامی در شام نیز اندک و با دغدغهٔ پژوهش حاضر متفاوت است (برای نمونه ن.ک. به: مرادی‌نسب و شمس‌آبادی، ۱۳۹۷؛ پاکچی، ۱۳۹۱). در ادامه و پیش از ورود به بخش اول کار، پیشینه و تفاوت آراء مؤلفان متقدم و پژوهشگران معاصر دربارهٔ اساتید کراجکی آورده شده است.

### پیشینهٔ بحث

قدیمی‌ترین منبعی که در آن از اساتید کراجکی یاد شده، فهرست متنجب‌الدین (متوفای ۰۰۰ عق) است. این مؤلف شیعی کراجکی را در زمرة شاگردان سید مرتضی و طوسی معرفی کرده است (متنجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۷۵)، اما ذهنی (متوفای ۷۴۸ عق) که قدیمی‌ترین مؤلف از میان اهل سنت است، در یاد کرد از کراجکی در کتاب «العبر»<sup>۲</sup> او را شاگرد سید مرتضی خوانده است (ذهنی، ۱۴۰۵: ۲۹۵/۲). سه قرن بعد، ابن‌عماد حنبلی (متوفای ۱۰۸۹ عق) دقیقاً عبارات ذهنی را دربارهٔ کراجکی تکرار کرده است. بدین ترتیب، از نظر او نیز کراجکی فقط شاگرد سید مرتضی بوده است (ابن‌عماد حنبلی، ۱۴۰۷: ۲۱۴/۵). در میان متأخران اهل سنت نیز زرکلی (متوفای ۱۹۷۶ م) ذیل نام کراجکی، عبارت «از بزرگان اصحاب سید مرتضی» را آورده است (زرکلی، ۱۹۸۰: ۲۷۶/۶).

البته از میان شیعیان، اولین بار پس از متنجب‌الدین، مجلسی (متوفای ۱۱۱۰) به اساتید کراجکی اشاره کرده و مانند سلف خود، کراجکی را شاگرد سید مرتضی و طوسی خوانده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵/۱؛ ۲۶۳/۱۰۲؛ ۲۶۴). در کتاب فوائد الرجالیه نیز بدین امر پرداخته شده است. بحرالعلوم (متوفای ۱۲۱۲ عق) در ابتداء کراجکی را شاگرد مفید و سید مرتضی دانسته، ولی در ادامه با ارجاع به نظر متنجب‌الدین، طوسی را نیز استاد او قلمداد

۱ مقدمه مصححان بر آثار کراجکی نیز در این مجموعه قرار گرفته است.

۲ ذهنی در شرح حال کراجکی به‌طور مستقیم به منبع اطلاعات خود دربارهٔ اشاره‌ای نکرده است. با این حال، این احتمال وجود دارد که وی از کتاب طبقات الامامیه (الحاوی) ابن‌ابی طی حلبی (متوفای ۶۳۰ عق) که اصل آن مفقود شده، استفاده کرده است (ن.ک. به: این‌ابی طی، [بی‌تا]: ۸۷-۸۶). جعفریان در مقدمه کتاب فقط اشاره‌ای کلی به استفاده ذهنی از این اثر کرده است (مقدمه جعفریان بر الحاوی، [بی‌تا]: ۸).

کرده است (۱۳۶۲ش: ۳۰۲/۳-۳۰۳). صاحب روضات الجنات (متوفی ۱۳۱۳ق) ابتدا در معرفی اساتید کراجکی، عبارت «قرآنی السید المرتضی علم الهدی و الشیخ الموفق آبی الجعفر» (خوانساری، ۱۳۹۰: ۲۰۹/۶) را به کار برد، اما در بخشی دیگر از همین کتاب آورده است: «از کتاب بحار و غیره و نیز کنفر پیداست که کراجکی در بسیاری از مسائل مشکل به سید مرتضی رجوع می‌کرده و به وسعت فضل و دانش او معتقد بوده است ولی من نه در آن کتاب و نه در کتاب دیگرشن ندیده‌ام که از سید مرتضی روایت کرده باشد. از شیخ طوسی هم ذکری به میان نیاورده تا چه رسد که از او روایت کند [...]» (همان، ۲۱۱). بدین ترتیب، خوانساری تنها به رد نظر شاگردی کراجکی نزد سید مرتضی و طوسی بستنده کرده؛ در حالی که سید حسن صدر (متوفی ۱۳۵۳) کراجکی را شاگرد سید مرتضی خوانده است (صدر، ۱۳۷۵ش: ۳۷۶).

گفتنی است پس از آنها محسن امین (متوفی ۱۳۷۱) (۱۴۲۱ق: ۹/۴۰۰) و آقا بزرگ طهرانی (متوفی ۱۳۸۹ق) (۱۷۷/۲) کراجکی را از شاگردان هر سه زعیم بغداد خوانده‌اند. حال آنکه دیگر معاصر آنها محمدصادق آلبحرالعلوم (متوفی ۱۳۹۹ق) در تحقیق الفهرست طوسی، تنها از شاگردی کراجکی نزد طوسی سخن به میان آورده است (مقدمه بر الفهرست، ۱۴۱۷ق: ۱/۱۴).

به این آراء متنوع می‌توان نظرات مصححان و مترجمان آثار کراجکی را نیز افزود. نعمه (۱۴۰۵ب: ۱۶-۱۸)، حسینی (۱۳۸۸: ۹، ۷، ۱-۱۲) و حسون ([ب] تاب: ۱۳۸۸) کراجکی را شاگرد مفید، سید مرتضی و طوسی خوانده‌اند. جالب اینجاست که نعمه و حسینی با وجود تأکید بر عدم روایت کراجکی از طوسی، نام او را در فهرست اساتید کراجکی باقی گذاشته‌اند. مقدس مترجم کتاب التفضیل کراجکی، در مقدمه این اثر ضمن تأیید استادی مفید و سید مرتضی، تردید خود درباره شاگردی کراجکی نزد طوسی را بیان کرده است<sup>۱</sup> (۱۳۸۳: ۱۶-۱۷)، اما کعبی در مقدمه تحقیق خود بر دیگر اثر کراجکی یعنی قول المبین (۱۴۱۰: ۹) و کمره‌ای تنها به ذکر مفید و سید مرتضی بستنده کرده‌اند (مقدمه کمره‌ای بر کنفر القوائمه، [ب] تاب، الف: ۱/۴۴). حتی در دو تحقیق مستقلی که درباره کراجکی انجام شده است، این تفاوت نظر وجود دارد. مهاجر، کراجکی را از شاگردان مفید خوانده؛ در

<sup>۱</sup> موضع دوایی در مفاخر اسلام مشابه مقدس است (دوایی، [ب] تاب: ۳/۰۴۳).

شاگردی او نزد سید مرتضی تردید کرده و نظر آقا بزرگ درباره شاگردی او نزد طوسي را رد کرده است (مهاجر، [بی‌تا]: ۶۴-۶۸). در حالی که طباطبائی او را در زمرة شاگردان هر سه زعیم بغداد قرار داده است (۱۴۰۳: ۳۷۲-۳۷۳).

در جدول زیر این دیدگاهها به صورت خلاصه آورده شده است. تشتم آراء پژوهشگران، گواه ضرورت بررسی این مسئله است.

نکته قابل توجه درباره بسیاری از این افراد آن است که تأثیر آشکار و یا پنهان نظر نخستین مؤلف شیعی یعنی متتبج الدین، در رأی آنان مشهود است. امری که با مروری بر آراء نعمه، بحرالعلوم، مهاجر، مقدس، دوانی، کمرهای، حسینی نیشابوری و طباطبائی مشخص می‌شود.

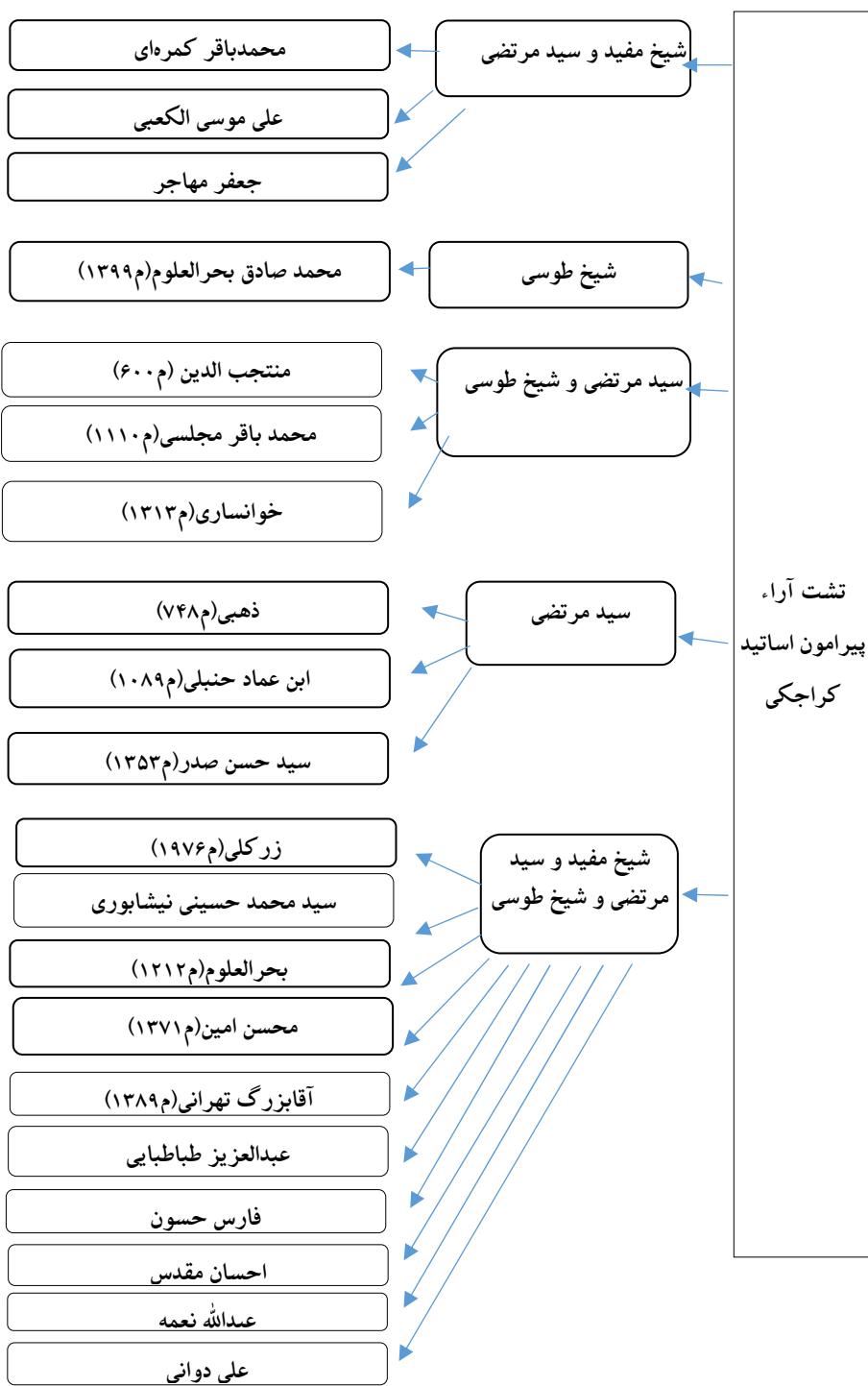
در ادامه، پس از مرور حیات علمی کراجکی، سفرها، آثار، سبک نگارش و مکتوبات او بررسی شده است. سپس با گذری کوتاه بر ابعاد مرتبط با حیات علمی شیخ طوسي، کوشش شده است به بخش اول مسئله پژوهش حاضر پاسخ داده شود. با روشن شدن این امر، بخش دوم مسئله واکاوی خواهد شد. گفتنی است اطاله کلام درباره زادگاه کراجکی ناشی از اختلاف نظرهای موجود در این زمینه و تأثیرگذاری این امر در نتیجهٔ نهایی تحقیق است.

### معرفی ابوالفتح کراجکی

ابن شهرآشوب نام او را «ابوففتح محمدبن علی بن عثمان الکراجکی» آورده است (۱۳۸۰: ۱۱۸-۱۱۹). در نام و کنیه او اختلافی نیست، اما برخی به دنبال کراجکی، «الخیمی»، «الکرخی» و یا «طرابلسی» را نیز افزوده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵: ۲۹۴/۲؛ یافعی، ۱۴۱۷: ۵۴/۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۵/۵).

تاریخ تولد کراجکی نامشخص است. نعمه با توجه به کتاب کنز الفوائد - که مشهورترین اثر کراجکی است - و استناد به اولین حدیثی که در سال ۳۹۹ ق. در شهر میافارقین روایت کرده، تولد او را سال ۳۷۴ ق. دانسته است (مقدمه نعمه بر کنز، ۱۴۰۵: ۱/۱۳)؛ سالی که به نظر می‌رسد در تخمین آن احتیاط زیادی شده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> نعمه سن معمول کسب اجازه برای نقل حدیث را ۲۵ سالگی در نظر گرفته است.



درباره نسب کراجکی نیز اختلاف نظر وجود دارد؛ به طوری که برخی انتساب او به کراجکی را برگرفته از شغل خیمه‌دوزی (کراجک) دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۴/۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق: ۳۰۰/۵). امری که در آثار متأخرانی چون محسن امین (۱۴۰۳ق: ۴۰۰/۹) و کحاله نیز تکرار شده است ([بی‌تا]: ۲۷/۱۱). البته برخی همانند شیخ عباس قمی (۱۴۲۹ق: ۱۰۹/۳)، ممقانی ([بی‌تا]: ۲۲۲/۲) و آقا بزرگ طهرانی (۱۴۳۰ق: ۱۷۹/۲) با استناد به گفتۀ معنایی (۱۳۸۲ق: ۵۸/۱۱) معتقد بودند نام او از روستایی گمنام در نزدیکی شهر واسط به نام «کراجک» گرفته شده است و درباره پسوند «الخیمی» سکوت کرده‌اند. در حالی که گروه سوم نیز بدون اظهار نظر درباره «کراجک»، «الخیمی» را یک پسوند مکانی دانسته‌اند؛ به طوری که طریحی، کراجکی را اهل روستای «الخیم» در مصر خوانده (۱۳۶۲ش: ۳۹۹/۲) و سید حسن صدر نیز آن را تکرار کرده است (۱۳۷۵ش: ۳۸۷). در نهایت، مجلسی (۱۴۰۳ق: ۷۶/۱۰۵) و سبحانی (۱۴۱۸ق: ۳۱/۵) نیز او را از فقهاء و علمای برجسته طرابلس خوانده‌اند.

با توجه به آنچه که پیشتر آورده شد، یعنی اطلاعات کتب جغرافیای تاریخی متقدم در ارتباط با نسب کراجکی، در نظر داشتن اینکه قدیمی‌ترین روایت حدیث توسط کراجکی در سال ۳۹۹ق. در میافارقین از استادش علی بن احمد لغوی بوده و در نهایت اینکه او می-باشد زمانی را صرف شاگردی نزد استاد برای کسب اجازة نقل حدیث کرده باشد، شاید بتوان از تولد او در میافارقین نیز سخن گفت؛ زیرا با وجود سقوط حکومت حمدانیان موصول در سال ۳۸۶ق، در منطقه تحت سلطه آنان عالمان شیعهٔ فراوانی ظهور کردند؛ عالمانی که جز موصول در شهرهای دیگری چون میافارقین نیز حضور داشتند. مکاتبات آنها با سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) سند این مدعای ادامه این حضور است.<sup>۱</sup> این امر و حضور حداکثری کراجکی در مناطق ساحلی شام و جزیره، احتمال برخاستن او از این دیار را تقویت می‌کند؛ زیرا معمولاً شاگردان زعمای مکتب بغداد، پس از تلمذ در محضر آنان، با میل خود و یا به دستور این افراد به زادگاه‌هشان می‌رفتند. جایی که با توجه به

<sup>۱</sup> برای نمونه، می‌توان به پاسخ سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ق) به پرسش‌های عالمان میافارقین در قالب رساله‌ای با عنوان جوابات المسائل المیافارقیات (سید مرتضی، ۱۴۰۵ق: ۲۷۱/۱) و مکاتبات او با عالمان حوزهٔ موصل (همان، ۱۶۷/۱، ۱۹۹) اشاره کرد.

شناخت خود از محیط و بالعکس، شاید می‌توانستند بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشند. بازگشت ابن براج (متوفای ۴۸۱) به شام و مصر (افندی، ۱۴۰۱؛ ۱۴۳/۳) و ابوصلاح حلبی (متوفای ۴۴۷) به حلب (پاکتچی، ۱۳۷۲؛ ۶۰۸/۵) نمونه‌هایی از این امر است. آنچه آورده شد، غیر از آن است که کراجکی اهل سفر و مقید به ثبت آنها، به هیچ سفری قبل از نقل حدیثش در میافارقین اشاره نکرده و تمام سفرهای او پس از این تاریخ است. ضمن آنکه در نهایت شاید بتوان پسوند «الخیمی» و «کراجکی» را نیز به عنوان حرفة این عالم امامی و یا اجداد او در میافارقین پذیرفت؛ زیرا کاربرد واژه «الخیم» در معنای خیمه‌ها) معمول بوده است (ن. ک. به: ابن منظور، ۱۴۱۴ ق؛ ۶۷۵/۱، ۲۳۷/۵، ۳۱۵/۶). علاوه بر آن، از وجود روستای کراجک در اطراف واسط، در متون جغرافیای تاریخی نگاشته شده توسط معاصران کراجکی و یا نزدیک به او همچون *احسن التقاسیم* سخنی به میان نیامده است. در حالی که مقدسی (متوفای ۳۸۵) از وجود کتاب در منطقه دیاربکر -که میافارقین یکی از شهرهای اصلی آن است- سخن گفته است. ماده‌ای که از مواد اولیه ساخت خیمه بوده و به علت وفور صادر می‌شده است (مقدسی، ۱۳۸۷؛ ۲۱۹/۱). ویژگی‌ای که برای شهر واسط و یا اطراف آن ذکر نشده است. بنابراین بیان این احتمال که در اواخر قرن چهارم برخی از مردم شهرهای مهم این منطقه همچون میافارقین حرفة خیمه‌دوزی داشته‌اند، دور از انتظار نیست؛ امری که احتمال حضور کراجکی و اجدادش در شهر میافارقین، اشتغال آنها به این حرفة و اشتهرشان به «کراجکی» و «الخیمی» را تقویت می‌کند.

کراجکی از محضر اساتید شیعه و سنی برجسته‌ای کسب علم کرده است. برخی محققان بیش از بیست استاد برای او برشمرده‌اند (مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵ ب؛ ۱۷-۱۸؛ مقدمه حسون بر النتعجب، [ب] تا، ب؛ ۱۱-۱۲). همان‌طور که به نام شاگردان او نیز اشاره کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳؛ ۳۵/۱؛ مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵ ب؛ ۱۸).

محمد نوری و آقا بزرگ فهرست مفصلی از آثار کراجکی را به نقل از یکی از معاصران او آورده‌اند. نعمه نیز در مقدمه کتاب کنز الفوائد به ۸۸ مورد از تألیفات او در حوزه‌های مختلف اشاره کرده است. مروری بر این آثار تبحر کراجکی را در فقه، کلام، نجوم، ریاضی، اخلاق، انساب، تاریخ و غیره روشن می‌سازد (محمد نوری، ۱۴۰۸؛ ۱/۲۱؛ نعمه، ۱۴۰۵ ب؛ ۱۶/۳۷۹؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ ق؛ ۱/۱۹-۲۵). امری که

به فراخور موضوع بحث در ادامه به آن پرداخته شده است. وفات کراجکی در بسیاری از منابع دوم ربيع‌الثانی ۴۴۹ در شهر صور ثبت شده است (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۴/۲).

### آثار و سفرهای کراجکی

مقاصد سفرهای کراجکی، افرادی که از آنها حدیث شنیده یا اماکنی که در آنها حضور داشته، افرادی که برای آنها یا علیه آنها کتاب نوشته و سایر آثار او – که اشاره به آنها در رسیدن به پاسخ این پژوهش مؤثر است – در ادامه آورده شده است.

کراجکی را از لحاظ کثرت سفرهایش می‌توان همانند شیخ صدوقدانست. آغاز دوران زندگی او با حکومت مروانیان (۴۸۹-۳۸۰ق) معاصر بود. حکومتی که هر یک از دو خلافت بزرگ عباسی و فاطمی برای سیطره بر آن در تلاش بودند (ابن‌ازرق، ۱۳۸۶: ۷۶). امرای آن اندکی پیشتر قلمرو حمدانیان موصل (۳۸۶-۳۱۷ق) را به ارث برده بودند؛ سرزمین‌هایی که به مناطق تحت سیطره فاطمیان نیز بسیار نزدیک بود. این امر سبب رشد کراجکی در میان مردمانی شد که ترکیب مذهبی متنوعی از تشیع امامی تا اسماعیلی و نیز تسنن داشتند؛ آنچه که بعدها حضور مؤثر او در شهرهای تحت سیطره فاطمیان، نگارش کتاب درباره آراء آنها<sup>۱</sup> و توجه به آثار اندیشمندان اسماعیلی را سبب شد.<sup>۲</sup> شاید با نزدیک شدن مرگ مهدالله‌وله مروانی (۳۸۷-۴۰۱ق)، پایان توجه امرای مروانی به عالمان و مجالس علمی و اوج گیری کشمکش‌های رقبای سیاسی بود (ابن‌ازرق، ۱۳۸۶: ۷۱) که کراجکی در جست‌وجوی محیطی آرام، عالمپرور و امن برای شیعیان به بغداد رفت.

نقل نشدن روایتی توسط او تا سال ۴۰۷ق. در قاهره، دلیلی بر حضور کراجکی در این سال‌ها در بغداد و حلقه‌های درس شیخ مفید عنوان شده است؛ زیرا او بعدها در رسائل مختلف کنفر و دیگر آثارش روایات فراوانی آورده که از حضور او در محضر شیخ مفید حکایت دارد. با توجه به اینکه مفید از بغداد خارج نشده بود، کراجکی در باقیمانده ایام حیات مفید در شهرهای مختلف شام اقامت داشته و سندی از حضور مجدد او در بغداد

۱ در کتاب *الایضاح عن احکام النکاح* کراجکی، به مسائل مورد اختلاف تشیع امامی و اسماعیلی پرداخته شده است (محمدث نوری، ۴۰۸: ۲۱/۲۳۴).

۲ کراجکی دو اثر از قاضی نعمان (۲۸۳-۳۶۳) را خلاصه کرد. کتاب *الاختیار من الاخبار*، مختصر کتاب الاخبار و کتاب مختصر دعائیم الاسلام (همان، ۱۲۸).

نیز در دست نیست، به نظر می‌رسد اشاره برخی پژوهشگران (دوانی، [بی‌تا]: ۳۳۹/۳-۴۰؛ مقدس، ۱۳۸۳: ۲۱) به اقامت او در بغداد طی سال‌های ۴۰۷-۴۰۰ ق. صحیح باشد. این دوران مصادف با خلافت قادر عباسی (۴۲۲-۳۸۱ ق) بود؛ زمانی که اختلافات فاطمیان و عباسیان شدت گرفته بود و قادر بیانیه مشهور خود علیه نسب فاطمیان را صادر کرد. با این حال، این امر و اختلافات سیاسی دو مدعی خلافت آن روز، مانع از حضور کراجکی در سرزمین‌های تحت سیطره فاطمیان نشد. این حضور فارغ از تعلق او به این خطه، از رشد حوزه‌های شام متأثر بود. امری که در روی کار آمدن فاطمیان شیعی، به عرصه آمدن مکتب شیخ مفید و شاگردانش (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و لزوم انسجام‌بخشی و تثیت اندیشه‌های شیعیان امامی آن دیار، با وجود تبلیغات گسترده فاطمیان و سایر مخالفان تشیع ریشه داشت.<sup>۱</sup> روایت حدیثی از ابوالحسن طاهر بن موسی حسینی در سال ۴۰۷ ق. در قاهره، از حضور او در مصر - پیش از اتمام خلافت الحاکم بامر الله (۳۸۶-۴۱۱ ق) - حکایت دارد که احتمالاً در اواخر این سال بوده است (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۸۲/۱). بنا به شواهد موجود، او طی سال‌های ۴۰۷ تا اوایل ۴۱۲ ق. در شهرهای مختلف قلمرو فاطمیان در مصر و شام حضور داشته است. حضور کوتاه او در حلب (کراجکی، ۱۳۸۳: ۴۴؛ همو، [بی‌تا، الف]: ۶۹/۲) و نقل روایاتی از اساتید مختلف در سال‌های ۴۱۰، ۴۱۱ و ۴۱۲ ق. در رمله (همو، [بی‌تا، الف]: ۱۵۷/۲)؛ همو، ۱۳۷۰، الف: ۷، ۲۱، ۲۷) مؤید این امر است. روایت او از ابن‌شاذان قمی در سال ۴۱۲ در مکه نیز گویای آن است که کراجکی در سال ۴۱۲ ق. شام را به مقصد مکه ترک کرده است (همان، ۱۶). او در سال ۴۱۶ نیز در صور بوده؛ جایی که کتاب الاصول فی مذهب آل الرسول را نوشته است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/۱۳۳). حضور کراجکی در سال ۴۱۸ در بلیس<sup>۲</sup> نیز مستند است (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۵۱/۱). همچنین نقل روایتی از ابوالحسن صخر ازدی در سال ۴۲۶ ق. در مصر (همان، ۱۴۹) و روایتش از علی بن حسن بن منده در سال ۴۳۶ در طرابلس (همو، ۱۳۷۰، الف: ۸)، از حضور مستمر او

۱ فهرست آثار کراجکی و ردیه‌هایی که بر اشعاریان (جواب رساله الاخوین: در مبحث امامت و رد بر اقوال اشعریان و ایراد آنها بر شیعه)، مسیحیان (رساله الدامغه للنصاری: رساله‌ای در رد مسیحیت و رد نظریات ابوهیشم نصرانی) و غیره نوشته، گواه این امر است (ن.ک. به: محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱/۲۱-۱۲۹).

۲ یک آبادی در شمال شرقی قاهره (مونس، ۱۳۹۰: ۳۸۲).

در مصر و شام حکایت دارد. ضمن آنکه نگارش کتاب الایضاح عن احکام النکاح توسط این عالم برجسته امامی در سال ۴۴۱ ق. در صیدا (محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۱/۱۳۴) و مرگ او در ۴۴۹ در صور مؤید این حضور است.

اگر آنچه را که گفته شد، در کنار گزارش‌هایی قرار دهیم که از نگارش برخی از آثار کراجکی در شهرهای مختلف خبر می‌دهند، کثرت سفرهای این عالم امامی، فراوانی و تنوع آثار او و همچنین مرجعیت علمی‌اش در این دیار آشکار می‌شود؛ زیرا بسیاری از آثار کراجکی به درخواست امرا، قضات و یا شیعیان امامی به رشتة تحریر درآمده بودند؛ به طوری که اگر فقط کتاب محدث نوری- قدیمی‌ترین اثری که به‌طور مفصل آثار کراجکی را آورده است- مرجع قرار گیرد، نگارش برخی از آثار او در شهرهای دمشق، طرابلس (شش کتاب)، طبریه، قاهره (دو کتاب)، رمله، صیدا و صور مشخص می‌شود. چنان‌که می‌توان دریافت او هفت کتاب خود را به درخواست امرای شهرهای مختلف شام، سه کتاب خود را برای قضات این مناطق، شش کتاب خود را بنا به تقاضای بزرگان معاصرش و شش کتاب و رساله را بنا به پرسش فرد و یا گروهی در شام و مصر نوشته است (محدث نوری، ۱۴۰۸/۲۱: ۱۲۷؛ همچنین ن. ک. به: مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵: ۱۹/۱-۲۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق: ۱۶/۵، ۳۷۹-۳۸۰). نکته قابل توجه آن است که موضوع بسیاری از این آثار فقهی بوده است؛ امری که صاحب رأی بودن او در امور فقهی و مورد وثوق و رجوع بودن او نزد بسیاری از امرا و قضات زمانه- اش را مشخص می‌سازد. علاوه بر این، عامه مردم نیز برای دستیابی به پاسخ مسائل شرعی خود به او مراجعه می‌کرده‌اند. چندین رساله او در پاسخ به شباهات فقهی آنها است (محدث نوری، همان، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴).

نکته قابل تأمل دیگر آن است که با وجود حضور کراجکی در شام و مصر، برخی آثارش حاکی از نزدیکی فکری او در امور فقهی با سید مرتضی است؛ به‌طوری که کتاب غاییة الانصاف فی مسائل الخلاف وی به مسائل مورد اختلاف ابوصلاح حلبي و سید مرتضی اختصاص دارد. کراجکی در این اثر از آراء سید مرتضی دفاع کرده و سخنان حلبي را رد کرده است (محدث نوری، ۱۴۰۸/۲۱: ۱۲۹)؛ همان‌طور که در دیگر اثرش یعنی ردع الجاہل و تنییه الغافل به نقض سخن ابوالمحاسن معربی پرداخته است. فردی که بر

نظر سید مرتضی در مسح بر پاها ایراد گرفته بود (همان، ۱۲۸؛ مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵: ۲۰/۱). علاوه بر آن، کراجکی شرحی بر کتاب جمل العالم سید مرتضی نوشته<sup>۱</sup> (همان، ۲۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸: ۵/۱۶) و دو کتاب او یعنی غرر الفوائد و تنزیه الانسیاء را خلاصه کرده است. آقا بزرگ طهرانی نام کتاب اول را الراشد المنتخب من غرر الفوائد ضبط کرده است. همچنین در مورد کتاب دوم که مختصر تنزیه الانسیاء نام دارد، تذکر داده که کراجکی ضمن خلاصه این اثر، بحث تنزیه ائمه(ع) را به آن افزوده است (حدث نوری، همان، ۱۳۰/۲۱؛ آقا بزرگ طهرانی، همان، ۱۹۲/۲۰).

مروری بر نام و موضوعات این آثار حاکی از آن است که آراء فقهی کراجکی به سید مرتضی نزدیک بوده است. با وجود نبود سندی از حضور او در بغداد در دوره زمامت سید مرتضی (۴۳۶-۴۱۳ق)، دوره شاگردی کراجکی نزد مفید و شناخت او از سید مرتضی و آراء او را نمی‌توان در این امر بی‌تأثیر دانست. علاوه بر آن، تعلق او به مکتب متکلمان نیز در نگارش این آثار مؤثر بوده است؛<sup>۲</sup> زیرا با حضور برخی از شاگردان طوسی در شام و مصر و ترویج آراء او، شاگردان مفید و سید مرتضی به دفاع از آراء مکتب متکلمان پرداخته‌اند (برای نمونه ن. ک. به: پاکتچی، ۱۳۷۲: ۶۰۸/۵).

بدین ترتیب، در یک جمع‌بندی اولیه می‌توان گفت براساس شواهد ارائه شده از سفرهای کراجکی، او در ایام زمامت شیخ مفید بر مکتب بغداد، در این شهر حضور داشته و محضر او را در کرده است. بر همین اساس، شاگردی او نزد مفید ثابت شده و نقش نظر افرادی که شیخ را استاد او ندانسته‌اند، مشخص می‌شود. علاوه بر آن، آثار نگاشته شده توسط این عالم امامی، هم گراibi فکری او با سید مرتضی و تعلق او به مکتب متکلمان را مشخص می‌سازد (برای نمونه ن. ک. به: مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۴/۲۶۲، ۲۹۰؛ ۲۸۲/۸۰). ضمن آنکه این تعلق خاطر به همان میزان آشکار کننده دوری او از آراء شیخ طوسی است.

۱ این کتاب با عنوان شرح کتاب جمل العلم ثبت شده است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸: ۵/۱۶).

۲ در اوخر قرن چهارم، شیخ مفید مکتبی جدید در فقه امامیه بنیان‌گذارد که به مکتب متکلمان شهره شد. در قرن پنجم در کنار این مکتب که پس از او شاگردش سید مرتضی ریاست آن را به عهده گرفت، مکتب دیگری به پیشوایی شیخ طوسی ظهور کرد. بدین ترتیب، مکاتب مقتدر کلامی-فقهی بغداد در قرن پنجم قمری، مکتب متکلمان و مکتب شیخ طوسی بودند که بر محافل اجتہادی امامیه پس از این قرن نیز مسلط بودند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۵؛ همو، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

## سبک نگارش و مکاتبات کراجکی

آنچه در اینجا مهم است سبک‌های متنوع و سرگرم کننده کراجکی در نگارش آثار جدی و بدون انعطاف فقهی و کلامی نیست، بلکه آن چیزی است که کمک می‌کند تا اساتید او از میان زعمای مکتب بغداد بیشتر شناخته شوند. در واقع، تقید کراجکی به نام بردن از مشایخی که به صورت مستقیم از آنها روایت شنیده – که گاه با بیان تاریخ و شهر آن نیز همراه است و تعبیری که بدین منظور به کار می‌برد – آن چیزی است که در اینجا به عنوان سبک نگارش کراجکی از آن یاد می‌شود؛ امری که در همه آثار او قابل مشاهده است. برای نمونه، یاد کرد او از ابن‌شاذان قمی – که استناد فراوان به او دارد – با تعبیری همانند «حدثنا به الشیخ» (کراجکی، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۴۸–۱۵۰)، «حدثني الشیخ» (همان، ۱۲۱، ۲۵۹؛ همو، ۱۳۷۰ الف: ۱۲)، «سمعتها من الشیخ» (همان، ۱۶)، «سمعنـهـ منـ الشـیـخـ» (همان، ۱۸؛ همو، ۱۴۰۵ الف: ۲۰)، «مما سمعته عن الشیخ» (همو، ۱۳۷۰ ب: ۶) و «ما روا لنا الشیخ» (همو، ۱۴۰۵ ب: ۱۸۵/۱) است. فردی که بنا به تصریح کراجکی، در سال ۴۱۲ ق. در مکه با او دیدار داشته و از او روایت شنیده است (همان، ۱۳۷۰ الف: ۱۶). همچنین کراجکی در آثار مختلف خود، هنگام روایت از قاضی ابوالحسن اسدبن ابراهیم سلمی که در رمله با او دیدار داشته، از عبارت «حدثني القاضي ابوالحسن [...]» (همان، ۷، ۲۱؛ همو، ۱۴۰۵ ب: ۱/ ۱۴۶–۱۴۷) استفاده کرده است؛ چنان‌که هنگام نقل روایت از ابوالمرجا بلدى، از اصطلاحات «خبرنـیـ ابـوـ الـمـرـجـاـ [...]» (همان، ۸۷/۱؛ همو، ۱۴۰۵ الف: ۱۰؛ همو، ۱۳۷۰ الف: ۵) و «حدثـنـیـ ابـوـ الـمـرـجـاـ [...]» (همان، ۲۳) مدد گرفته است. با این حال، یاد کرد او از شیخ مفید در بیشتر اوقات متفاوت است؛ بدان معنی که اگرچه در روایات فراون او از مفید، گاه تعبیری چون «خبرنـیـ بـهـ الشـیـخـ المـفـیدـ» نیز دیده می‌شود (کراجکی، ۱۴۰۵ الف: ۶)، اما در بیشتر روایاتش او را «شیخنـاـ خـوـانـدـهـ وـ اـینـ تـعـبـيرـ رـاـ درـ قـالـبـهـایـ چـونـ اـخـبـرـنـیـ شـیـخـنـاـ المـفـیدـ» (همان، ۱۳۱)، «قالـ شـیـخـنـاـ المـفـیدـ» (همان، ۱۶۳)، «ذـکـرـ اـنـ شـیـخـنـاـ المـفـیدـ» (همو، ۱۴۰۵ ب: ۴۸/۲) به کار گرفته است. حتی در کتاب کنز، در بخشی، هنگام استناد به محتوای آثار مفید، باز هم عبارت «استخرجـتـهـ منـ کـتابـ شـیـخـنـاـ المـفـیدـ» (همان، ۱۵/۲) را در ابتدای نقل قولش آورده است؛ عباراتی که به واسطه آنها نیز شاگردی کراجکی نزد شیخ مفید تأیید می‌شود.

گفتنی است در آثار متعدد این عالم امامی هیچ روایت مستقیمی از سید مرتضی وجود ندارد. حتی شیوهٔ یادکرد این اندیشمند امامی از علم‌الهی، هنگامی که پاسخ او به پرسش‌هایش را در آثارش می‌آورد، یا نظری از او را نقل می‌کند، معمولاً همراه با احترامی است که عالمی برای عالمی برجسته و فاضل قائل می‌شود. برای نمونه، هنگامی که کراجکی در کتاب *التفضیل*، احتجاجات خود دربارهٔ فضل امام علی<sup>(ع)</sup> بر همه انسان‌ها به جز پیامبر<sup>(ص)</sup> را بیان می‌کند، در تأیید گفته‌های خود به باور مشابه سید مرتضی در این باره اشاره کرده و آورده است: «کان يتعقد الشریف المرتضی نصر الله وجهه [...]» (کراجکی، ۱۳۷۰، الف: ۲۹).

در این باره می‌توان به مکاتبہ کراجکی با سید مرتضی اشاره کرد. مکاتبہ‌ای که به دنبال نارضایتی کراجکی از پاسخش به یکی از اهالی رمله، دربارهٔ شبهه‌ای که در مورد بحث کلامی ابطال تقدم ذاتی مطرح کرده، صورت گرفته است. کراجکی پاسخ علم‌الهی به این پرسش را در کتاب *کنز الفوائد* خود آورده است. نکتهٔ قابل توجه شیوهٔ یادکرد کراجکی از سید مرتضی است. او در ابتدای شرح این موضوع آورده است: «ثم الى كتبت كتاباً الى بغداد، الى حضره سيدنا الشریف المرتضی ذي المجدین» (کراجکی، ۱۴۰۵ ب: ۴۲/۱).

با این حال، گاه در یادکرد کراجکی از علم‌الهی هیچ یک از عبارات محتوی بزرگداشت او دیده نمی‌شود و حتی نگاه هم طراز او نسبت به شریف مرتضی را در ذهن متبدار می‌سازد. در این زمینه نیز می‌توان به بحث کراجکی دربارهٔ آیه ۲۰ سورهٔ هود در کتاب *کنز اشاره* کرد. او در پایان نگاشتهٔ خود به این نکته اشاره کرده که سید مرتضی این آیه را به صورت دیگر تأویل کرده است. البته به دنبال نام او تنها عبارت «رحمه‌الله» را آورده است: «و قد تأول الشریف المرتضی رحمه الله هذه الاية على وجه آخر [...]» (همان، ۱۱۸).

دربارهٔ طوسی نیز وضع بر همین منوال است. کراجکی در آثار فقهی فراوان خود حتی یک روایت از شیخ الطائفه نقل نکرده است. امری که چرا بی آن با در نظر داشتن حضور کراجکی در شامات، تعلق او به مکتب متکلمان و تفاوت دیدگاهش با مکتب فقهی

<sup>۱</sup> این جمله از نگارش این رساله پس از وفات سید مرتضی در سال ۱۴۳۶ق. نیز حکایت دارد.

طوسی (پاکتچی، ۱۳۸۵: ۲۳-۲۴) مشخص است. بدین ترتیب، در پایان این مبحث نیز می-توان یافته‌های پیشین را تأیید و تکمیل کرد؛ یعنی از شاگردی کراجکی نزد مفید و قربات فکری و احترام او به سید مرتضی سخن گفت و نظرات متقدمان و متاخران درباره شاگردی کراجکی نزد سید مرتضی و طوسی را رد کرد.

با توضیحاتی که آورده شد و نظر به مطالب قبلی، می‌توان بر عدم ارتباط استاد-شاگردی طوسی و کراجکی صحّه گذاشت و نظر قائلان به این باور را رد کرد؛ زیرا ورود طوسی به بغداد حدود یک سال پس از خروج کراجکی از این شهر بوده و آنان هیچ دیدار مستقیمی در دورهٔ زمامت مفید و پس از آن با یکدیگر نداشته‌اند. درواقع، طوسی در سال-های ۴۰۸-۴۴۷ق. در بغداد و بعد از آن تا ۴۶۰ق. در نجف حضور داشته؛ در حالی که کراجکی در این سال‌ها در شام و مصر بوده است.<sup>۱</sup> استمرار این حضور به گونه‌ای است که مجلسی از او در ذیل علمای طرابلس یاد کرده است (۱۴۰۳: ۱۰۵).

علاوه بر آن، اگر سال‌های تولد و وفات این دو عالم بر جسته امامی را مرور کنیم و روش پیشنهادی ذهنی برای مطالعهٔ واقعی تاریخی در کتاب تاریخ اسلام را مینما قرار دهیم، می‌توانیم از تعلق آنها به دو طبقهٔ مختلف سخن به میان بیاوریم. ضمن آنکه تعلق کراجکی به مکتب متکلمان و فاصله از طوسی، از آثار و نیز موضع‌گیری‌های او دربارهٔ حجیت خبر واحد عیان است. امری که در ادامه به آن پرداخته شده است.

با مشخص شدن این امر که از میان زعمای بغداد تنها مفید استاد ابوالفتح کراجکی بوده، در ادامه تأثیر این ارتباط بررسی شده است.

### تأثیر شیخ مفید بر عملکرد علمی کراجکی در مصر و شام

برخی معتقدند «از نظر علمی، همان اندازه که برآمدن شیخ مفید در فضای بغداد، تاریخ حوزه‌های عراق را وارد مرحله‌ای نوین کرد، شاگردان شیخ مفید نیز فضای حوزه‌های شام را دگرگون ساختند» (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۱۴۷). با این مقدمه و در نظر داشتن عملکرد علمی کراجکی و مراجعه به آثار او، می‌توان از تأثیر مفید بر رویکردها، نحوه نگارش و

۱ این غیر از سال ۴۱۲ق است که کراجکی حج گذارد. او در ابتدای این سال در رمله روایت نقل کرده که پیشتر آورده شد.

۲ برای اطلاعات بیشتر درباره تقسیم‌بندی‌های مختلف زمانی در مطالعات علوم انسانی، ن.ک. به: پاکتچی، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۹.

محتوای بسیاری از آثار این عالم امامی سخن به میان آورد. این تأثیرگذاری بیشتر در بعد درون دینی و بر آراء فقهی و کلامی کراجکی بوده که در ادامه نمونه‌هایی از آنها آورده شده است. این غیر از تأثیرگذاری مفید بر شیوه گرینش و نقل روایات تاریخی توسط این اندیشمند در متون غیرتاریخی است که به فراخور موضوع به آن اشاره شده است. ضمن آنکه مبحث پایانی مقاله نیز به طور مختصر به تأثیر اندیشه سیاسی مفید بر عملکرد کراجکی اختصاص یافته است.

پیشتر و به فراخور موضوع، درباره بنیان‌گذاری مکتب متکلمان توسط مفید و ادامه آن با سید مرتضی توضیحاتی آورده شد. همچنین به این امر اشاره شد که یکی از تفاوت‌های اصلی این مکتب با مکتب طوسی، عدم پذیرش حجیت خبر واحد بود؛ زیرا مفید در آثار خویش حجیت خبر واحد را رد کرده و در صورتی آن را یقین آور دانسته که بتوان با یک قرینه راستگویی را اثبات کرد (مفید، [بی‌تا]: ۱۲۲). بر این اساس، او شروط امکان اثبات با برهان عقلی، عدم تضاد با قرآن و مطابقت با مبانی کلامی پیشتر اثبات شده امامیه را برای پذیرش حجیت خبر واحد ارائه کرده است؛ همان‌طور که بر اجماع علمای امامی بر آن خبر و نقل روایت در چند نسل، به گونه‌ای که خبری مخالف آن نباشد، در پذیرش آن تأکید کرده است (صفری فروشانی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰)؛ شروطی که کراجکی نیز به صورت مفصل در کتاب کنز الفوائد خود به آنها پرداخته است ([بی‌تا، الف]: ۲۶/۲-۲۷).

در ابعاد خُرد می‌توان اعتقاد به این رأی بنیان‌گذار مکتب متکلمان را در آثار کراجکی دنبال کرد. برای نمونه، علاوه بر توضیحات مستقیم او در کنفرانس در بالا اشاره شد، هنگامی که او اصلاح باور رایج درباره شأن نزول آیات ۵۵ و ۵۶ سوره مائدہ را در اذهان مخاطبان خود دنبال می‌کند،<sup>۱</sup> این گونه می‌گوید که «اگر گویند چگونه این اتفاق درست است با اینکه روایت شده [که] این آیه درباره عبدالله بن سلام است؟ گوییم این روایت تنها

<sup>۱</sup> شیعیان امامی نزول این آیات را پس از آن می‌دانند که حضرت علی(ع) انگشت خود را در نماز به فقیری اهدا کرد؛ در حالی که در برخی متون تاریخی مانند سیره ابن‌هشام (متوفی ۲۱۸) نزول این آیات درباره یهودیان بنی قینقاع و عبدالله بن سلام دانسته شده است (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۷۸/۲). امری که بیهقی (متوفی ۴۵۸ق) نیز بدان اشاره کرده است (۱۳۶۱: ۳۳۱/۲). با این حال، ابن‌کثیر (متوفی ۷۷۴ق) در البداية والنهاية موضعی همانند شیعیان داشته و آن را از فضایل امام دانسته است (۱۴۰۷: ۳۵۷/۷).

و خبر واحد است. اخبار بسیاری که با هم موافقند از میان نبرد و یک گفته نادر، اجماع را نشکند» (کراجچی، [ب]، الف: ۳۸۷-۳۸۸). سپس در ادامه به نظر ناقدان اشاره کرده و از تاریخ و قرآن برای اثبات مدعای خود مدد گرفته است. بدین ترتیب، کراجچی با نحوه نقل این خبر، عدم اعتقاد خود به حجت خبر واحد را مورد تأکید قرار داده است. در بُعد کلان نیز پیروی کراجچی از دیدگاه مفید و مكتب متکلمان سبب گسترش این مكتب در مناطقی از شام و مصر شده بود که این عالم امامی در آن سکونت و یا تردد داشته است؛ زیرا دور از ذهن نیست که رسائل کراجچی در پاسخ به سوالات فقهی افراد عادی، بزرگان، قضات و امرای این مناطق بر محور آراء این مكتب باشد (محمد نوری، ۱۴۰۸: ۲۱-۱۲۷؛ همان طور که برخی از ردیه‌ها و آثار او که پیشتر به آن اشاره شد، در دفاع از آراء زعمای این مكتب و گسترش آن نگاشته شده است (مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵: ۲۰، ۲۵). به موارد فوق می‌توان فتوای کراجچی بر مبنای مكتب متکلمان در دوره اقامت طولانی‌اش در طرابلس و همچنین عهدهداری منصب قاضی القضاطی را افروز؛ امری که سبب ترویج این مكتب در میان شیعیان امامی آن دیار بوده است. شاید بر همین اساس است که محققان رواج دیدگاه‌های طوسی در طرابلس را تدریجی و تنها پس از رحلت کراجچی و جایگزینی ابن‌براچ (شاگرد طوسی) به جای او در امر قضای دانسته‌اند (پاکنچی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)؛ امری که در مصر نیز رقم خورده؛ زیرا به نظر می‌رسد سفرهای کراجچی به مصر، تعالیم او و آثاری که در قاهره نگاشته، نیز با هدف حفظ و گسترش نگاه مكتب متکلمان در این دیار بوده است؛ چنان‌که او دفاع از آراء مكتب متکلمان در مقابل نظرات رو به گسترش طوسی را در این سرزمین ضروری می‌دانسته - است (پاکنچی، ۱۳۷۲: ۵/۸۰). درواقع، حضور و تأثیرگذاری ابن‌براچ (متوفی ۴۸۱ق) به عنوان بزرگ‌ترین مروج مكتب طوسی در شام و مصر و سپس حسن بن عبدالعزیز جهانی دیگر شاگرد طوسی در مصر (منتجب الدین، ۱۳۶۶: ش۴۰)، در ترویج مكتب طوسی در این سرزمین - به خصوص پس از کراجچی - مؤثر بوده است (پاکنچی، ۱۳۷۲: ۵/۱۵۴).

به جز آنچه که گفته شد، می‌توان از تأثیر مفید بر کراجچی در موضع گیری او درباره فتوا بر مبنای قیاس و رأی، سخن به میان آورده؛ زیرا کراجچی نیز به مانند استادش، استفاده از قیاس و رأی در استخراج احکام شرعی را رد کرده و به نقل از او در کنز الفوائد آورده

است که «با قیاس، هیچ مطلب حقی شناخته نمی‌شود و هر کس به قیاس در احکام شرعی اعتماد کند، گمراه است» (کراجکی، ۱۴۰۵(ب): ۲۸/۲). او در ادامه نیز بحثی مفصل در این باره آورده است (همان، ۳۰-۲۸)؛ موضوعی که در آثار مختلف شیخ و مناظراتی که او با معتقدان به این شیوه استنباط فقهی داشته، قابل پیگیری است (مفید، [بی‌تا]: ۲۲۹؛ سید مرتضی، ۱۴۱۴ق: ۸۶-۸۱).

در حوزه کلام نیز مشابهت‌هایی میان آراء مفید و کراجکی وجود دارد. برای نمونه، او در آرایی همانند نیازمندی عقل به وحی، با استاد خود هم‌نظر است؛ زیرا مفید عقل را در استنتاجاتش محتاج سمع می‌خواند (مفید، [بی‌تا]: ۴۴)؛ باوری که می‌توان آن را در کتاب کنز الفوائد کراجکی نیز پیگیری کرد. هر جا که او از ضرورت وجود حجت در هر زمان سخن به میان آورده (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۲۴۲/۱)، در ذیل بحث ضرورت ارسال رسول نیز به این امر اشاره کرده است (همان، ۲۲۵). در حالی که این دیدگاه توسط دیگر شاگردان مفید دنبال نشده و حتی از سوی سید مرتضی مورد نقد قرار گرفته است<sup>۱</sup> (۱۴۰۵ب: ۱۲۷/۱).

علاوه بر آن، در مبحث کلامی گسترده امامت نیز کراجکی به مانند استاد خود، هم خویش را بر اثبات افضلیت ائمه به‌طور عام و افضلیت امام علی(ع) و حقانیت او برای جانشینی پیامبر(ص) به‌طور خاص گذارد است؛ امری که حاشیه‌رانی باورهای اهل سنت در شام را نیز منظور نظر داشته است. از میان موضع‌گیری‌های مفید در این زمینه، همین بس که او ائمه را حتی بر ملائکه و همه پیامبران جز رسول خدا برتری داده و این امر را در نگارش آثار خود نیز منظور نظر داشته است (مفید، [بی‌تا]: ۷۰-۷۱). کراجکی نیز با هوشمندی و با انگشت گذاردن بر اشتراکات شیعیان امامی و اسماعیلی، در زمانی که به مانند استادش از حمایت حاکمان برخوردار بوده، در آثار متنوع خود بر افضلیت ائمه تأکید کرده است. این امر را نه تنها از مشابهت نامی و محتوایی آثاری چون *التفضیل*<sup>۲</sup> و یا مشابهت محتوایی کتاب *النیاتیه* کراجکی با آراء مفید می‌توان دریافت (مقدمه مقدس بر *التفضیل*، ۱۳۸۳ش: ۳۰)، بلکه از لایه‌لای دیگر تأییفاتش نیز قابل فهم است؛ به‌خصوص

۱ برای اطلاعات بیشتر ن. ک. به: رضایی، ۱۳۹۳: ۱۸-۲۱.

۲ شیخ مفید نیز کتابی با همین نام نگاشته است. ن. ک. به: حسینی جلالی، ۱۴۱۳: ۱۱۸-۱۸۲.

آنچا که او برای اثبات عقایدش به تاریخ متول می‌شد.

نقطه اشتراک او با مفید در این زمینه را می‌توان در شیوه گرینش، نقل روایات و نیز شیوه یادکرد از برخی شخصیت‌های تأثیرگذار در حوادث صدر اسلام همچون شیخین دانست. آنچا که او در ذیل مباحث کلامی به گرینش و برجسته‌سازی آن دسته از اخبار تاریخی درباره شیخین مبادرت ورزیده است که بر عدم اطاعت آنان از پیامبر(ص) و یا اشتباهات آشکار آنها دلالت دارد. او به مانند استاد خود صریح و از موضع قدرت می‌نوشت و در بیشتر مواقع از اشاره مستقیم به نام شیخین ابابی نداشت. برای نمونه، شیوه روایت او از فرار ابوبکر در جنگ حنین (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۰۹/۲)، شرح ماجراهای درخواست قلم و کتف (همان، ۴۱۱: قس ← مفید، ۱۳۹۰ق: ۱۷۰) و اعتراض عمر بن خطاب به صلح حدیبیه (مفید، همان، ۱۳۰) از آن جمله است. او در شرح مبسوط واقعه اخیر به این امر اشاره کرده که عمر بن خطاب تا بدانجا پیش رفت که خشم پیامبر(ص) را برانگیخت و حضرت فرار او در غزوه احمد و حال او در جنگ احزاب را به یادش آوردند و عمر با پناه بردن به خدا، اذعان کرد که شیطان بر او مسلط شده بود (کراجکی، [بی‌تا، الف]: ۳۶۷/۲). بدین ترتیب، کراجکی از میان اخبار موجود، خبری از تمد عمر بن خطاب از امر پیامبر(ص) را گرینش و نقل کرده که یادآور موقعهای دیگری نیز است که او برخلاف دستور آن حضرت عمل کرده و یا دچار تردید شده است. روشی که به واسطه آن در راستای کم‌اثر کردن بسیاری از باورهای اهل سنت، همانند همسان بودن تمام صحابه گام برداشته است. می‌توان شرح کراجکی از تخلف شیخین از امر پیامبر(ص) برای حضور در جیش اسامه<sup>۱</sup> و بردن مستقیم نام آنها را نیز به این موارد افزود (همان، ۳۲۴). آن هم زمانی که کمی پیشتر به لعن پیامبر(ص) بر متخلفان از این دستور اشاره کرده است (همان، ۳۱۰).

در نهایت می‌توان به این امر اشاره کرد که او نیز همانند استادش کوشید در حوزه آراء و عقاید کلامی، مرزهای میان امامیه و معزله را روشن سازد.<sup>۲</sup> او در طریقی مشابه،

۱. ن.ک. به: مفید، ۱۳۹۰: ۱۶۹-۱۷۰.

۲. به جز کتاب *اوائل المقالات فی المناهی و المختارات*، شیخ مفید در کتاب *الحكایات فی مخالفات المعزله من العدایه و الفرق بینهم و بین الشیعه الامامیه* نیز به رد عقاید کلامی معزله پرداخته و فرق میان شیعه و معزله را مطرح کرده است.

این مهم را با نگاشتن رساله‌ای با عنوان الابانه عن الممااثلة فی الاستدلال بین طریقی النبوة و الامامة به انجام رساند (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱-۱۲۷؛ ۱۳۴-۱۲۷؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۸: ۳۷۹/۱۶). رساله‌ای که در آن به شرح مناظره‌ای خیالی میان سه شخصیت معزلی، یهودی و شیعه امامی پرداخته و به صورت پرسش و پاسخ در مسائل نبوت و امامت بوده است و هر یک از آنها سعی در رد استدلال‌های دیگران داشته است. این کتاب علاوه بر آنکه از تسلط کراجکی بر آراء دیگر ادیان و فرق حکایت دارد، تأثیرپذیری او از استادش را آشکار می‌سازد (سلیمان گندمی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

آخرین موضوع قابل عنوان تأثیرپذیری کراجکی از دیدگاه مفید، درباره جواز همکاری با حاکم جائز است؛ امری که در حوزه اندیشه سیاسی جای می‌گیرد و اثر آن بر کراجکی را می‌توان در عملکرد او و پذیرش منصب قاضی القضاطی از سوی حاکمان بنی عمار جست‌وجو کرد؛ زیرا مفید درباره همکاری با سلاطین جائز و قبول منصب سیاسی از سوی آنها بر این عقیده بود که همکاری با ظالمان در امور حق و انجام واجب، برای فقیه جایز و در برخی امور واجب است (مفید، [بی‌تا]: ۱۲۰-۱۲۱). درواقع، او با در نظر گرفتن دو شرط ضرر نرسانیدن این امر بر ایمان فرد و معصیت نبودن بیشتر کارهای وی، این همکاری را پذیرفته است (همان، ۱۲۰). او حتی کسب مال به واسطه خدمت به سلاطین جور را به شرط ضرر نرساندن به اموال مؤمنان و نیز عدم غلبه گناه جایز دانسته است<sup>۱</sup> (همان، ۱۲۰-۱۲۱).

### نتیجه‌گیری

با مروری بر مباحث ارائه شده در متن مقاله می‌توان دریافت که بسیاری از مؤلفان شیعی به دلیل انکا به نظر متوجه‌الدین و متأثر از جایگاه رفیع شیخ طوسی، او را جزء اسانید کراجکی آورده‌اند. درحالی که علاوه بر تفاوت مکتبی این دو فقیه، عدم دیدار آنها با یکدیگر، عدم وجود مکاتبه و یا روایتی از طوسی در آثار کراجکی و نیز موضع‌گیری کراجکی نسبت به برخی از نظرات فقهی شاگردان شیخ الطائفه و ردیه‌نویسی بر آنها، عدم ارتباط استاد-شاگردی میان این دو عالم بر جسته امامی را مشخص می‌کند. ضمن آنکه با

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر ن.ک. به: قهرمان نژاد و دیگران، ۱۳۹۳.

اندکی دقت می‌توان دریافت که کراجکی در طبقه‌ای بالاتر از طوسی جا داشته و حتی نمی‌توان از هم‌عصری کامل این دو سخن گفت.

اظهار نظر نخستین مؤلفان، یعنی منتخب‌الدین و سپس ذهبی درباره استاد-شاگردی سید مرتضی و کراجکی، توجه ویژه کراجکی به آراء علم‌الهی، شرح و خلاصه آثار او، نگارش آثاری در دفاع از آراء این عالم امامی، استفقاء از او در شباهت و هم‌عصری آنها با یکدیگر در کتاب تعلق کراجکی به مکتب متکلمان، در گنجاندن نام سید مرتضی در ذیل استادی کراجکی تأثیرگذار بوده است. در حالی که نبود روایتی از سید مرتضی در آثار کراجکی که مقید به ذکر نام مشایخ خویش هنگام نقل روایات است، شیوه نام بردن او از سید مرتضی -که همراه با احترام و به شیوه یادکرد از عالمی فاضل است- و عدم حضور او در ایام زمامت علم‌الهی در بغداد، تأییدی بر عدم ارتباط استاد-شاگردی این دو اندیشمند امامی است.

در نهایت می‌توان گفت روایت‌های متنوع و فراوان کراجکی از مفید، یادکرد او با عنوان «شیخنا»، حضور او در بغداد در دوران زمامت شیخ بر این مکتب و تعلق فکری او به مکتبی که مفید بنیان گذارد و سید مرتضی آن را رونق بخشید، تأییدی بر شاگردی کراجکی نزد اولین زعیم بر جسته مکتب بغداد، یعنی شیخ مفید است. تأثیر این امر بر حیات علمی کراجکی گاه به واسطه تعلق او به مکتب استادش به صورت عام و گاه به دلیل همنظری او با مفید به صورت خاص است. برای نمونه، تأثیر مورد اخیر را می‌توان در همکاری کراجکی با حکام مناطق مختلف و پذیرش منصب قاضی القضاطی در حوزه اندیشه سیاسی و نیازمندی عقل به وحی در کلام دنبال کرد؛ حال آنکه اثرپذیری او از مکتب بنیان گذارده شده توسط استادش ابعادی گسترده‌تر در کلام و فقهه را در بر می‌گیرد. برای مثال، او در مبحث امامت، مانند استادش و نیز سید مرتضی بر جایگاه رفیع ائمه و افضلیت آنها به‌طور عام و افضلیت امیرالمؤمنین بر جانشینان پیامبر(ص) به‌طور خاص تأکید داشته است. این امر علاوه بر نام و محتوای آثار کراجکی، در گزینش و نقل اخبار تاریخی مؤید این امر و حاشیه‌رانی شیخین در نگاشته‌های غیرتاریخی او، قابل پیگیری است. تعیین مرزهایی میان امامیه و معزله با نگارش آثار متنوع، دیگر موضوع کلامی مورد اهتمام او به تبعیت از این مکتب است. همچنین در حوزه فقهه می‌توان از موارد

متعدد اثربنییری کراجکی از مفید و همسوی او با مکتب متكلمان سخن به میان آورد. عدم اعتقاد او به حجیت خبر واحد و رد استفاده از رأی و قیاس در استخراج احکام فقهی، از نمونه‌های خُرد این امر است. ضمن آنکه در ابعاد کلان نمی‌توان تأثیر او در گسترش مکتب متكلمان در حوزه شام را با دفاع از آراء فقهی بزرگان این مکتب، پاسخ به سؤالات فقهی و فتوا دادن براساس آن نادیده گرفت.

## منابع و مأخذ

- آقا بزرگ طهرانی، محمدحسن (۱۴۳۰ق)، طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
- ..... (۱۴۰۸ق)، النیریة إلی تصانیف الشیعه، ج ۱۶، قم: اسماعیلیان.
- ابن أبي طی، یحیی بن حمید [بی تا]، الحاوی فی رجال الشیعه الامامیه، تصحیح و تنظیم رسول جعفریان، تهران: [بی نا].
- ابن ازرق فارقی، احمدبن یوسف (۱۳۸۶ش)، تاریخ میافارقین دیاربکر، تصحیح بدوى عبدالطیف، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: جهاد دانشگاهی.
- ابن حجر عسقلانی، احمدبن علی (۱۳۹۰ق)، لسان المیزان، ج ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن داود حلی، حسن بن علی (۱۳۴۲ش)، الرجال، تصحیح محمدصادق بحرالعلوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ابن شهرآشوب مازندرانی، محمدبن علی (۱۳۸۰ش)، معالم العلما فی الفهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً، تحقیق سید محمدصادق بحرالعلوم، نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن عمار حنبلی، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۷ق)، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۵، دمشق: انتشارات دار ابن کثیر.
- ابن کثیر، ابوالفداء (۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م)، البداية و النهاية، ج ۷، بیروت: مکتبة المعارف.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۱، ۵، ۶، بیروت: دار صادر.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالمک بن هشام (۱۳۷۵ش)، زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام، ترجمه سید هاشم رسولی، ج ۲، تهران: انتشارات کتابچی.
- افندی، عبدالله بن عیسی (۱۴۰۱ق)، ریاض العلما و حیاض الفضلا، به کوشش سید احمد حسینی، ج ۳، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق)، اعیان الشیعه، ج ۹، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بحرالعلوم، محمدمهدی (۱۳۶۲ش)، فوائد الرجالیه، تحقیق محمدصادق بحرالعلوم، ج ۳، تهران: مکتبة الصادق.

- بیهقی، احمدبن حسین (۱۳۶۱ش)، *دلائل النبوة*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پاکتیجی، احمد (۱۳۸۵ش)، *مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ..... (۱۳۷۲ش)، «ابوصلاح حلبي»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۵، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ..... (۱۳۹۱)، «حوزه‌های کم‌شناخته و متقدم حدیث و معارف امامیه در عراق، شام و مصر»، *صحيفة میین*، دوره ۱۸، ش ۵۲، ص ۱۲۵-۱۶۶.
- حسینی جلالی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق)، *نظارات فی تراث الشیخ المضید*، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۰ش)، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، ج ۶، قم: اسماعیلیان.
- دوانی، علی [بی‌تا]، *مفاخر الإسلام*، ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *العبر فی خبر من غیر*، ج ۲، بیروت: دار الكتب العلمية.
- رضایی، محمد جعفر (بهار ۱۳۹۳ش)، «جایگاه عقل در کلام امامیه در مدرسه کلامی بغداد»، *تحقیقات کلامی*، س ۲، ش ۴، ص ۷-۲۲.
- زرکلی، خیر الدین بن محمود (۱۹۸۰م)، *الاعلام*، ج ۶، بیروت: دار العلم للملائين.
- زارع پور، محسن (۱۳۹۲ش)، «آراء کلامی ابوالفتح کراجچی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث* قم.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۸ق)، *موسوعة طبقات الفقهاء*، قم: اللجنة العلمية في مؤسسة الامام الصادق.
- سلیم گدمی، حمید (تابستان ۱۳۸۶)، «ترجمه رساله الابانه»، *سفینه*، ش ۱۵، ص ۱۴۱-۱۸۱.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۳۸۲ق)، *الانتساب السمعانی*، تحقیق عبدالرحمان معلمی یمانی، ج ۱۱، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانی.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۰۵ق)، *الرسائل*، ج ۱، قم: دار القرآن الكريم.
- ..... (۱۴۱۴ق)، *فصل المختاره من العيون والمحاسن*، تحقیق سید علی میرشریفی، [بی‌جا]: دار المفید.
- صدر، سید حسن (۱۳۷۵ش)، *تأسیس الشیعه*، [بی‌جا]: اعلمی.
- صفری فروشانی، نعمت الله (تابستان ۱۳۸۶)، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری او در کتاب الارشاد با توجه به برخی مبانی کلامی و اصولی او»، *شیعه‌شناسی*، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۷-۳۵.
- طباطبائی، سید عبدالعزیز (۱۴۰۳ق)، *مکتبة العلامة الكراجچی*، *تراثنا*، ش ۴۳-۴۴، ص ۳۶۷-۳۰۵.
- طربیحی، فخر الدین حسن (۱۳۶۲ش)، *مجمع البحرين*، تحقیق سید احمد حسینی، ج ۲، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق محمد صادق آل بحرالعلوم، ج ۱، قم: فقاہة.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۲۹ق)، *الكتی و الاقتاب*، ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- قهرمان‌نژاد، بهاءالدین، فهیمه فرهمندپور، سید صادق حقیقت، محسن مهاجرنیا، مرتضی حسنی‌نسب (تابستان ۱۳۹۳ش)، «تعامل با سلطان جور در اندیشه شیخ مفید»، فقه کاوشنی نو در قوه اسلامی، س ۲۱، ش ۲، صص ۱۰۳-۱۲۰.
- کحاله، عمر رضا [بی‌تا]، معجم المؤلفین، ج ۱۱، بیروت: مکتبة المشنی- دار إحياء التراث العربي.
- کراجکی، محمدبن علی [بی‌تا، الف]، کنز الفوائی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۲، تهران: فردوسی.
- ..... (۱۴۰۵) (ب)، کنز الفوائی، تصحیح عبدالله نعمه، ج ۱، ۲، بیروت: دار الأضواء.
- ..... (۱۳۸۸ش)، معادن الجواهر و ریاضۃ الخواطر، ترجمه شیخ عباس قمی، تصحیح محمد حسینی نیشابوری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ..... (۱۳۸۳ش)، التفضیل و خبر الغدیر، ترجمه احسان مقدس، تهران: نیلوبرگ.
- ..... (۱۴۰۵) (الف)، الاستنصرار فی النص علی ائمۃ الاطهار، به کوشش علامه ابن عیاش، بیروت: دار الأضواء.
- ..... (۱۳۷۰) (الف)، التفضیل، به کوشش سید جلال الدین محدث ارمومی و محمد آخوندی، تهران: دار الكتاب اسلامی.
- ..... (۱۳۷۰) (ب)، التعريف، به کوشش سید جلال الدین محدث ارمومی و محمد آخوندی، تهران: دار الكتاب اسلامی.
- ..... (۱۴۱۰) (ق)، القول المبين عن وجوب مسح الرجلین، تحقیق علی موسی الکعی، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ..... [بی‌تا، ب]، التعجب فی اغلاط العامة فی مسألة الامامة، تصحیح فارس حسون کریم، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تحقیق سید ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، ج ۱، ۵۴، ۸۰، ۱۰۵، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- ..... مقدسی، محمدبن احمد (۱۳۸۷ش)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تیبیان.
- ..... منتسب، علی بن عیبدالله (۱۳۶۶ش)، الفهرست، تصحیح جلال الدین محدث ارمومی، قم: کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی.
- ..... محدث نوری، حسین بن محمدنقی (۱۴۰۸ق)، مستارک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت، ج ۲۱، قم: مؤسسه آل البيت.
- ..... مرادی نسب، حسین و هادی شمس‌آبادی (۱۳۹۷ش)، «نقش دانشمندان شیعه در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی در شامات از آغاز تا پایان قرن هفتم هجری»، تاریخ اسلام، س ۱۹، ش ۷۳، صص ۱۳۵-۱۶۶.
- ..... مفید، محمدبن محمدبن نعمان [بی‌تا]، اوائل المقالات فی المناهی و المختارات، تحقیق مهدی محقق،

- تهران: دانشگاه تهران.
- ..... (۱۳۹۰ق)، الارشاد فی معرفة الحجج اللہ علی العباد، تهران: اسلامیه.
  - ..... ممقانی، عبدالله [بی‌تا]، تدقیق المقال فی علم الرجال، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت.
  - ..... مونس، حسین (۱۳۹۰ش)، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه آذرناش آذرنوش، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
  - ..... مهاجر، جعفر [بی‌تا]، الکراجکی، [بی‌جا]: مؤسسه تراث الشیعه.
  - ..... یافعی، عبدالله بن اسعد (۱۴۱۷ق)، مرآۃ الجنان و عبرة الیقظان فی معرفة ما یعتبر من حوادث الزمان، ج ۳، بیروت: دار الكتب العلمیه.